

اوضاع مان بدتر از این خواهد شد و هر سال خواهیم گفت، «دریغ از پارسال».

◀ شما به کیفیت حکمرانی اشاره کردید. در مطالعات و یادداشت‌های شما نیز دغدغه سیاست‌های اقتصادی و توسعه ایران، فقر و نابرابری، نبود شفافیت و فساد، تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی و ضعف نهاد‌های نظارتی به چشم می‌خورد. به طور کلی، شاخص‌های حکمرانی موفق از نظر شما چیست؟ و اگر بخواهیم حکمرانی موفقی در این دولت داشته باشیم، چه معیارها و فاکتورهایی را باید در نظر بگیریم تا سرانه‌ای که از تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، به صورت عادلانه بین دهک‌های مختلف درآمدی توزیع شود؟ حکمرانی را برای ما تعریف کنید و بگویید

و آزادی‌های شهروندان محافظت کند. دوم شفافیت و پاسخگویی به معنای دسترسی آزاد به اطلاعات، پاسخگویی دولت و سایر نهادهای عمومی به مردم و رسانه‌ها، و سازوکارهای مؤثر برای نظارت عمومی بر عملکرد دولت. سوم مشارکت فعال و مؤثر شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری. مورد چهارم کارآمدی و اثربخشی است. یعنی توانایی دولت و سایر نهادهای حکمرانی در ارائه خدمات عمومی با کیفیت و تحقق اهداف توسعه‌ای.

مورد پنجم عدالت و برابری به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر. ششم

مبارزه با فساد و وجود سازوکارهای قوی برای پیشگیری و مبارزه با فساد در همه سطوح حکمرانی است و مورد هفتم ثبات سیاسی و اجتماعی و وجود یک نظام سیاسی باثبات و جامعه‌ای آرام و امن که زمینه را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم کند.

◀ آیا ایران می‌تواند از مدل‌های موفق جهانی در زمینه توزیع عادلانه ثروت استفاده کند؟

مدل‌های موفق جهانی در زمینه توزیع عادلانه ثروت وجود دارند، اما هیچ مدل واحدی وجود ندارد که بتوان به طور کامل آن را در ایران پیاده کرد. هر کشوری باید مدل حکمرانی و توسعه‌ای خود را بر اساس شرایط خاص خود طراحی کند. با



منظور شما صرفاً دولت است یا نهادهای جمعی دیگر نیز در آن دخیل هستند؟ بله، دقیقاً. کیفیت حکمرانی، کلید حل بسیاری از مشکلات ماست. حکمرانی صرفاً به دولت محدود نمی‌شود. بلکه حکمرانی یک مفهوم گسترده‌تر است که شامل تعامل دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی و سایر نهادهای اجتماعی برای اداره امور جامعه و دستیابی به اهداف مشترک است. حکمرانی خوب، حکمرانی‌ای است که شفاف، پاسخگو، مشارکت‌جو، کارآمد و عادلانه باشد. شاخص‌های حکمرانی موفق از نظر من عبارتند از: حاکمیت قانون یعنی وجود قوانین روشن، عادلانه و قابل اجرا که برای همه یکسان باشد و از حقوق



تورم هم نوعی مالیات منفی است که باز هم مردم آن را می‌پردازند. تورم زمانی ایجاد می‌شود که شما دست به هزینه‌ها نمی‌زنید و کسری بودجه ایجاد می‌کنید و آن بخش از منابعی هم که صرف رفاه مردم می‌شود، با رویکرد ناکارآمد هزینه می‌شود. در نتیجه، اعتماد مردم سلب می‌شود و واگرایی بین دولت و ملت افزایش می‌یابد و پایه جامعه گسسته می‌شود. در چنین شرایطی، نمی‌توان رفاه و توسعه ایجاد کرد

این حال، می‌توان از تجربیات موفق سایر کشورها درس گرفت. به عنوان مثال، کشورهای اسکاندیناوی با نظام مالیاتی پیشرفته، نظام رفاه اجتماعی قوی و حکمرانی شفاف، توانسته‌اند به سطح بالایی از رفاه و عدالت اجتماعی دست یابند. کشورهای آسیای شرقی نیز با تمرکز بر توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در آموزش و فناوری و حکمرانی کارآمد، به رشد اقتصادی چشمگیری دست یافته‌اند و تا حدودی نابرابری‌ها را کاهش داده‌اند. مهم‌ترین نکته این است که توزیع عادلانه ثروت، صرفاً یک هدف اقتصادی نیست، بلکه یک هدف اجتماعی و سیاسی نیز هست. برای تحقق این هدف، نیازمند اراده